

A Comparative Study of the Signs of the Promised Apocalypse from the Perspective of Islam and Christianity

(Received: 02/04/2022 Accepted: 18/05/2022)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.6.2.6.4>

Seyed Jafar Mousavi Gilani¹

Abstract

The issue of the "promised expectation" is very important in all the major religions of the world. The desire for the emergence of the "great world reformer" is common to all religions and is one of their indisputable tenets. This, in addition to being one of the religious teachings of the holy books such as the Torah, the Bible and the Holy Quran, is one of the matters related to human destiny and human evolution. But before the advent of the Savior, events take place on earth that are signs of the advent that each of the divine religions has expressed. In the present study, we have examined the signs of emergence in the two major religions of Islam and Christianity. Examining these cases will lead to a better understanding of these events. In this research, which has been prepared by descriptive-analytical method, we have comparatively examined only the views of Islam and Christianity about the "signs of the appearance of the promised and the general reformer" and we have come to the conclusion that, first, the promise of that reformer The world, in addition to the Qur'an, is also given in Christianity, stating that at the end of time, divine government will be realized and will be established on earth forever. All people become monotheists and secondly, these signs are in many cases close to each other in the various fields of natural, social, and moral affairs of society before their emergence. The most important sources of this research are the Qur'an, hadiths, the Bible and some books on the history of religions and the like.

Keywords: Promised, Islam, Christianity, Abrahamic religions, Apocalypse.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Islamic Azad University, Parand Branch, Tehran, Iran. s_mosavi2004@yahoo.com



بررسی تطبیقی نشانه های ظهور موعود آخرالزمان از دیدگاه دین اسلام و مسیحیت

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.6.2.6.4>

سید جعفر موسوی گیلانی^۱

چکیده

موضوع «انتظار موعود» در همه ادیان بزرگ جهان، اهمیت بسیاری دارد. آرزوی ظهور «مصلح بزرگ جهانی» در همه ادیان، مشترک است و از اصول مسلم اعتقادی آنها به شمار می‌رود. این امر، علاوه بر این که از تعالیم دینی کتاب‌های آسمانی مانند تورات، انجیل و قرآن کریم محسوب می‌شود، از اموری است که به سرنوشت بشر و تکامل انسان ارتباط دارد. اما قبل از ظهور منجی، اتفاقاتی در زمین واقع می‌شود که نشانه‌های ظهور است که هر یک از ادیان الهی، این نشانه‌ها را بیان داشته‌اند. در پژوهش حاضر، ما به بررسی نشانه‌های ظهور در دو دین بزرگ اسلام و مسیحیت پرداخته‌ایم. بررسی این موارد، سبب شناخت بیشتر این رویدادها می‌شود. در این پژوهش، که با روش توصیفی-تحلیلی آماده شده، تنها دیدگاه دین اسلام و مسیحیت را درباره «نشانه‌های ظهور موعود و مصلح کل» به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که اولاً، نوید آن مصلح جهانی، علاوه بر قرآن مجید، در مسیحیت هم داده شده است مبنی بر این که در آخر الزمان، حکومت الهی تحقق می‌یابد و تا ابد بر زمین مستقر می‌شود، همه مردم نیز موحد و یکتا پرست می‌شوند و ثانیاً، این نشانه‌ها در زمینه‌های مختلف امور طبیعی، اجتماعی و اخلاقی جامعه قبل از ظهور، در موارد زیادی بین هر دو دین به هم نزدیک هستند. مهم‌ترین منبع این پژوهش، قرآن، احادیث، انجیل و برخی کتاب‌های تاریخ ادیان و مانند آن است.

کلید واژه‌ها: موعود، اسلام، مسیحیت، ادیان ابراهیمی، آخرالزمان.

اعتقاد به «ظهور مصلح» به شیعه یا مسلمان اختصاص ندارد. بلکه تمام ادیان آسمانی در این عقیده مشترکند. پیروان همه ادیان معتقدند که در یک عصر تاریک و بحرانی که جهان را فساد، بی‌دادگری و بی‌دینی فرا گرفته، نجات‌دهنده‌ای بزرگ طلوع می‌کند و به واسطه نیروی فوق‌العاده غیبی، اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد. به عبارت دیگر، وقتی انسان ناامید می‌شود و می‌بیند که با وجود این همه ترقی و پیشرفت‌های فکری و علمی، روز به روز به فساد و تباهی کشیده می‌شود و اختراعات و اکتشافات محیرالعقول، نتوانسته انسان را از سردرگمی نجات دهد، بنا به فطرت ذاتی خود، متوجه درگاه خداوند بزرگ می‌شود و از او برای رفع ظلم و ستم و بحران‌های روحی و معنوی کمک می‌جوید. از این رو، در همه قرون، آرزوی «موعود جهانی» در دل خداپرستان وجود داشته است و این آرزو تنها در میان پیروان دین‌های بزرگ، مانند: زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمان سابقه ندارد، بلکه آثار آن را در افسانه‌های یونانی، افسانه‌های میترا در ایران، کتاب‌های قدیم چینی‌ها، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکانندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آنها نیز می‌توان یافت. البته هر ملتی او را به لقبی مخصوص می‌شناسد، زرتشتیان او را به نام «سوشیانس»؛ یعنی نجات‌دهنده جهان، عیسویان به نام «مسیح موعود»، یهودیان به نام «سرور میکائیلی» و مسلمانان به نام «مهدی موعود» می‌شناسند. هر ملتی نیز آن «موعود نجات بخش» را از خودش می‌داند. برای مثال، زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می‌دانند، عیسویان او را هم‌کیش خودشان می‌دانند، یهودیان او را از بنی‌اسرائیل و از پیروان موسی می‌شمرند و مسلمانان او را از دودمان بنی‌هاشم و فرزندان پیامبر (ﷺ) می‌شمارند، که البته اسلام، به طور کامل و مشخص این شخصیت جهانی و موعود کل را معرفی نموده که در سایر ادیان چنین نیست.

بررسی دیدگاه ادیان آسمانی و بلکه همه مذاهب در مورد «موعود و مصلح جهانی» بسیار قابل توجه است که مسلمانان کم‌تر به این مهم توجه کرده‌اند. وقتی جامعه بشری به این مهم توجه کند که عقیده به ظهور یک نجات‌دهنده فوق‌العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است که از مصدر وحی سرچشمه می‌گیرد و همه پیامبران الهی بدان بشارت داده‌اند و همه ملل در انتظار او هستند، در این صورت، مسلمانان و به ویژه شیعیان را به «خیال‌بافی»، «عقاید خرافی» و نظایر آن متهم نمی‌کنند. در این پژوهش، دیدگاه دین اسلام و مسیحیت، در مورد نشانه‌های «ظهور منجی» به صورت تطبیقی مورد توجه قرار می‌گیرد. در ارتباط با پیشینه بحث لازم به ذکر

است، اگرچه پژوهش‌هایی درخصوص بررسی نشانه‌های ظهور در ادیان مختلف از جمله مسیحیت صورت گرفته است، اما این پژوهش‌ها بیشتر پیرامون نشانه‌های کلی ظهور در بین ادیان مختلف بوده، اما چون پژوهشی مستقل به صورت بررسی تطبیقی در مورد نشانه‌های ظهور در دو دین اسلام و مسیحیت در زمینه‌های مختلف امور طبیعی، اجتماعی و اخلاقی رؤیت نشده؛ از این رو نگارنده را برآن داشت تا به بررسی تطبیقی نشانه‌های ظهور در دو دین اسلام و مسیحیت بپردازد. ناگفته نماند که ما درصدد اثبات «مهدی موعود» با استدلال به بشارت‌های کتاب‌های ادیان دیگر نیستیم و اصولاً به آنها احتیاج نداریم. بلکه با مطالعه دیدگاه مسیحیت در این زمینه، روشن می‌شود که عقیده به «انتظار موعود» و «نجات‌دهنده فوق‌العاده جهانی» یک عقیده مشترک دینی است.

۱- نشانه‌های ظهور

هر چند زمان ظهور منجی، دقیقاً مشخص نیست و مخفی است، اما نشانه‌هایی در هر دو دین اسلام و مسیحیت برای آن بیان شده است. از این جهت، ظهور «منجی» به قیامت تشبیه شده است؛ زیرا همچنان که قیامت نشانه‌هایی دارد، ظهور نیز علائم و نشانه‌هایی دارد که قبل از آن به وقوع می‌پیوندد. اصل وجود علائم و نشانه‌های ظهور و بعضی از آن نشانه‌ها بین دو دین اسلام و مسیحیت مشترک است که ما در این پژوهش به بعضی از آنها اشاره می‌نماییم.

۱-۱- وقایع طبیعی قبل از ظهور، در دین مسیحیت

در منابع انجیل، قبل از آمدن منجی، اتفاقاتی ذکر کرده اند که این اتفاقات را از نشانه‌های ظهور منجی دانسته اند که آن حوادث عبارت است از:

۱-۱-۱- قحطی و بیماری‌های مهلک

طبق آموزه‌های دین مسیحیت از نشانه‌های ظهور، قحطی، وبا و بیماری‌های کشنده است. « و قحطی‌ها و وباها و زلزله‌ها در جای‌ها پدید آید». (مرقس: ۲۱: ۱۱) در جای دیگر بیان می‌کند: «در روی زمین عسرت و تنگی در جامعه روی خواهد داد و بر زمین تنگی و حیرت برای امت‌ها روی خواهد داد». (متی: ۲۴: ۷)

۱-۱-۲- خسوف و کسوف متعدد و اتفاقات آسمانی

در این باره در کتاب مقدس چنین آمده: « و در آفتاب و ماه و ستارگان، علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود. به سبب شوریدن دریا و امواجش و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد و از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود، زیرا قواست آسمان متزلزل خواهد شد». (متی: ۲۴: ۲۹-۳۰) از

آیات فوق چند مطلب برداشت می شود:

الف. خسوف و کسوف که آن را عبارت «و در ستارگان علامات خواهد بود» بیان می کند.
 ب. اتفاقات آسمانی که مربوط به ستارگان خواهد بود؛ مانند پیدا شدن ستاره های دنباله دار و مانند آن که عبارت «و در ستارگان علامات خواهد بود» بیانگر آن است.
 ج. خشکی و اتفاقات غیر عادی بر روی زمین که عبارت «و بر زمین تنگی و حیرت از برای امتها روی خواهد نمود» آن را می فهماند.

د. طوفان و ناامنی در دریا از عبارت «به سبب شوریدن دریا و امواجش» نیز اتفاقاتی که بر ربع مسکون ظاهر می شود؛ مانند سیل و زلزله. حتی جای دیگر، تاریخ شدن و خاموش شدن خورشید و ماه و فرو ریختن ستارگان از آسمان بیان شده است: «بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه، نور خود را بدهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوت های افلاک متزلزل شود. آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد» (مرقس: ۱۳: ۲۵)

۱-۱-۳- وقوع زلزله و حوادث طبیعی

«و زلزله ها حادث خواهد شد، قحطی ها و اغتشاش ها پدید می آید. این ها، ابتدای دردهای تازه می باشد» (مرقس: ۸: ۱۳) آیه فوق و نظایر آن، چند مسئله را پیش از ظهور منجی و دوره آخرالزمان بیان می کند:

الف. آمدن زلزله، از این که زلزله را به صورت جمع آورده، معلوم می شود که متعدد است و از عبارت بعد از آن هم مخرب بودن آن فهمیده می شود.

ب. قحطی و کم شدن نعمت نیز یکی از وقایع این دوره است که هم می تواند بر اثر درگیری و جنگ ملت ها و قدرت ها باشد و هم به سبب نبودن باران کافی و اختلالات جوی.

ج. وجود اغتشاش و بی نظمی که شاید مراد، بُعد طبیعی آن باشد؛ یعنی در طبیعت و زندگی روزمره مردم، اغتشاش به وجود می آید و ممکن است منظور جنبه اجتماعی آن باشد که بر اثر جنگ و ناامنی پیش می آید.

۱-۱-۴- بروز مرگ و بلا یا

«لهذا بلا یای او از مرگ و ماتم و قحط در یک روز خواهد آمد و به آتش سوخته خواهد شد» (یوحنا: ۸: ۱۸) در این آیه، به آمدن بلا یا و مرگ فراوان بین مردم هشدار می دهد که یا بر اثر قحطی و بیماری است یا به سبب جنگ و اختلاف. احتمال دیگر این که هر دو باعث مرگ و میر فراوان می شود. «قوم ها و ممالک جهان، با یکدیگر ستیز بر خواهند خاست. در جاهای مختلف، قحطی و زمین لرزه روی خواهد داد؛ ولی این ها پیش درآمد بلاهای بعدی است» (متی: ۲۴: ۷)

۱-۲- وقایع طبیعی قبل از ظهور، در دین اسلام

یکی از وقایع مهم در دین اسلام که وعده الهی در قرآن است: (وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً وَجَعَلْنَاهُمُ الْوَارِثِينَ) (قصص / ۵) ظهور منجی و مصلح،

سال ششم
شماره دوم
پیاپی: ۱۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

موعود ادیان است. خداوند به وسیله او به تمام وعده های خود لباس وجود می پوشاند که برخی نشانه های آخرالزمان، قبل از آمدن منجی و برخی دیگر، بعد از آن محقق می شود. این نشانه ها، در ابعاد مختلف طبیعی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی است. معمولاً نشانه هایی که جنبه منفی و نامطلوب دارد و بیانگر پریشانی، آشفتگی و هرج و مرج است، قبل از ظهور می آید و نشانه هایی که مثبت و امیدوار کننده هستند بعد از آمدن منجی تحقق می یابند. در حدیثی از پیامبر اسلام (ﷺ) نشانه های آخرالزمان که قبل از برپایی قیامت رخ خواهد داد، شمرده شده است که یکی از آنها ظهور مصلح است. (مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۲/۲۰۹) نشانه ها نیز چند دسته هستند، گاهی قابل تغییر و دگرگونی نیست؛ زیرا در صورت عدم تحقق آن، خلف وعده لازم می آید؛ مثل ظهور منجی در آخرالزمان و قبل از قیامت. برخی دیگر نیز حتمی است؛ اما نه به اندازه دسته قبل؛ بلکه می تواند محقق شود یا نشود و خلاف عدلی پیش نمی آید. دسته آخر نیز نشانه هایی است که به قید و شرط وابسته است که با تحقق آن شروط محقق می شود که اصطلاحاً به آنان، اتفاقات غیر حتمی می گویند. (محمدی، ۱۳۸۸: ۸۷)

﴿وَلْتَبْلُوْكُمْ بَشِيْءٌ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوْعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْاَمْوَالِ وَالْاَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِيْنَ﴾ (بقره/۱۵۵): قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می کنیم و صابران (در این حوادث و بلاها را) بشارت بده.

طبق بعضی از روایات، این آیه یکی از مصادیق دوره آخرالزمان است. محمد بن مسلم در تفسیر این آیه، روایتی از امام صادق (ﷺ) نقل کردند: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ﷺ) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ قَدَامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ بَلَوَى مِنْ اللَّهِ تَعَالَى لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ وَمَاهِي قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَتَبْلُوَنَّكُمْ بَشِيْءٌ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوْعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْاَمْوَالِ وَالْاَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِيْنَ قَالَ لَتَبْلُوَنَّكُمْ يَعْنِي الْمُؤْمِنِيْنَ بَشِيْءٌ مِّنَ الْخَوْفِ مِنْ مُلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِيْ آخِرِ سُلْطَانِهِمْ وَالجُوْعُ بَعْلَاءٌ أَسْعَارُهُمْ وَنَقْصٍ مِّنَ الْاَمْوَالِ فَسَادِ التِّجَارَاتِ وَقَلَّةِ الْفُضْلِ فِيهَا وَالْاَنْفُسِ قَالَ مَوْتُ ذُرِّيْعٍ وَالثَّمَرَاتِ قَلَّةٌ مَّا يُزْرَعُ وَقَلَّةٌ بَرَكَةُ الثَّمَارِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِيْنَ عِنْدَ ذَلِكَ بِحُرُوجِ الْقَائِمِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذَا تَأْوِيلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ محمد بن مسلم از امام صادق (ﷺ) نقل می کند که ایشان فرمودند: پیش از قیام قائم، نشانه هایی جهت آزمایش از جانب خداوند نسبت به

بندگان مومنش است، عرض کردم: آن گرفتاری ها چیست؟ فرمود: همان است که خدای عز و جل می فرماید: «ولتبلونكم بشيئ»؛ یعنی هرآینه بیازماییم شما مومنان را «بشيئ من الخوف» به مقداری و چیزی از ترس یعنی از پادشاهان فلان خانواده در پایان سلطنتشان و «الجوع» و گرسنگی به خاطر بالا بودن قیمت ها «ونقص من الاموال» و کاستی از مال ها (یعنی فساد تجارتها) «والانفس» و جانها (یعنی مرگ سریع) «والثمرات» و

محصولات (یعنی کم شدن کشاورزی و کمبود برکت محصولات) «و بشر الصابرين» بشارت ده صابران را در چنین وقت به خروج قائم (عج) سپس به من فرمود: ای محمد! این است؛ تأویل قول خداوند عزّ و جلّ که می فرماید: ﴿وَمَا يَعْلمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾ تأویل آن را به جز خدا و پایداران در دانش کسی نمی داند». (نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۵۰؛ قندوزی حنفی، ۱۳۷۵: ۷۱/۳) در این آیه و روایت، ابتدا بیماری‌ها و قحطی و مشکلات زندگی بیان شده است؛ ولی در نهایت به کسانی که صبر می کنند و با وجود مشکلات بر دین خود پایداری می کنند مژده داده شده است. (خادمی شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸) در احادیث، علائمی برای ظهور بیان شده است که عبارتند از:

۱- **قحطی شدید:** از جمله علائم، آمدن قحطی شدید در جامعه است؛ به گونه‌ای که ترس تلف شدن بین مردم ایجاد می شود، قیمت اجناس بالا می‌رود، تجارت بی رونق می شود و در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است که سه سال قحطی و گرانی پیش می‌آید، به محصولات کشاورزی هم آفت زده و باعث از بین رفتن آنها می شود. (مجلسی، ۱۴۱۲: ۱۸۵/۵۲ و ۲۱۹)

۲- **وقوع بیماری طاعون:** در روایات آمده است که بیشتر مردم، با مرگ عادی از بین می روند که علت آن هم بیماری طاعون است یا بر اثر جنگ و درگیری کشته می شوند که از اولی به مرگ سفید و از دومی به مرگ قرمز تعبیر شده است. (مفید، ۱۴۱۴: ۲/ ۳۶۸-۳۷۸؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ۱۸۱/۳-۸۵). پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مرگ ناگهانی را از علائم آخرالزمان شمرده‌اند. (طوسی، ۱۴۰۳: ۲/ ۲۷۷)

۳- **وقوع زلزله در شام قبل از خروج سفیانی:** زمین لرزه ای در شام اتفاق می افتد که صد هزار نفر بر اثر آن هلاک می شوند که برای مومنان، رحمت و برای کافران عذاب است. (همان: ۲/ ۲۷۷) و در روایتی از امام باقر (علیه السلام) آمده است در شام اختلافی پیش می‌آید و صد هزار نفر از بین می روند. این، رحمتی برای مومنان و عذابی برای کافران است. (مجلسی، ۱۴۱۲: ۲۱۶ و ۲۵۳)

۴- **اتفاقات آسمانی:** در حدیث آمده است که ستاره‌های دنباله دار در آسمان پدیدار گشته و ستاره‌ها به یکدیگر نزدیک می‌شوند. و برخلاف قواعد نجومی کسوف در وسط ماه رمضان و خسوف در آخر آن رخ می دهد. همچنین طلوع خورشید از مغرب رخ می‌دهد. (مقدسی شافعی، ۱۴۱۶: ۷۳)

۵- **آمدن باران فراوان:** در آخرالزمان، باران فراوانی می‌آید؛ به گونه‌ای که مثل آن را مردم ندیده‌اند و باعث برکت و زنده شدن زمین می‌شود. (مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۲/ ۲۱۲؛ امین، ۱۴۰۳: ۴/ ۱۴۳) در روایت آمده است که نشانه‌های پیش از آمدن منجی در آخرالزمان یعنی آخرین علامت آن دوره، باران‌های پی در پی است، به اندازه‌ای که همه جا سرسبز

و خرم می شود و این، آغاز زندگی همراه آسایش و راحتی است. (مفید، ۱۴۱۴ق: ۳۷۰/۱)
۶- طلوع ستاره ای از مشرق؛ طلوع ستاره از شرق که مانند ماه نور دارد و شرق را روشن می کند از دیگر علائم است. و نیز تراکم ستارگان از جمله آن علامت ها است. (حائری یزدی، ۱۴۲۲: ۵۲)

۷- خسوف و کسوف بسیار؛ از دیگر علائم، خسوف و کسوف‌های متعدد به ویژه در ماه شعبان و رمضان با آشکار شدن نشانه‌هایی در خورشید و ماه و تغییرات غیر منتظره در آسمان است. از امام باقر (ع) روایت شده است در آخرالزمان دو علامت ظهور می کند: یکی گرفتن ماه در پنجم ماه و دیگری گرفتن خورشید در نیمه ماه که تا آن زمان بی سابقه است. (مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۲/۹۲۲)

۲- وقایع اجتماعی پیش از ظهور منجی در دین مسیحیت

۱-۲- اختلافات اقوام، جنگ و درگیری‌ها

در بعضی موارد در کتب آسمانی آمده است که کشورها و اقوام مختلف در آخرالزمان با هم جنگ و اختلاف دارند و از این بابت، فساد و اضطراب بین مردم زیاد می شود؛ اما مومنان را به صبر توصیه می کند و می گوید: «وجود این امور در آخرالزمان، ضروری است؛ و چون اخبار جنگ‌ها و فسادها را بشنوید، مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این امور اول ضروری است؛ لکن انتهای عالم نیست. سپس به ایشان گفت: قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند کرد». (لوقا: ۲۱: ۹-۱۰)

۲-۲- وجود ظلم و بی‌عدالتی حکام

«قبل از این، همه بر شما دست اندازی خواهند کرد و جفا نموده شما را به کنائس و زندان‌ها خواهند سپرد، و در حضور سلاطین و حکام به سب نام من، خواهند برد و این برای شما به شهادت خواهد انجامید». (مرقس: ۹: ۱۳)

۳-۲- ظهور ضد مسیح

چند فصل از انجیل، به آمدن شخصی مستبد و اهریمنی در آخرالزمان اختصاص داده شده که به ضد مسیح موسوم است و با تشکیل حکومت، دنیا را مطیع خود می کند. (یوحنا: ۲: ۱۸) در برخی آیات، ضد مسیح که همان دجال است، کسی معرفی شده که مسیح را انکار می کند: «و هر روحی که عیسی مسیح مجسم شده را انکار کند، از خدا نیست و این است روح دجال که شنیده اید او می آید و الان هم در جهان است». (یوحنا: ۴: ۳)

۴-۲- آمدن الیاس قبل از ظهور مسیح

در عهد جدید به آمدن الیاس قبل از ظهور منجی اشاره شده است. ابتدا باید الیاس

ظهور کند و با اصلاح جامعه زمینه را برای آمدن مسیح، آماده سازد و این اتفاق حتمی است. عیسی (علیه السلام) در جواب شاگردان که پرسیدند: «آیا الیاس می آید؟» جواب می دهد: «الیاس البته اول می آید و تمام چیزها را اصلاح خواهد کرد». (مرقس: ۹: ۱۲)

۲-۵- ویرانی و سقوط اورشلیم

در کتاب مقدس، خرابی و محاصره اورشلیم و سقوط آن در دوره قبل از متن آخرالزمان و آمدن منجی پیش بینی شده و به پیروان خود توصیه کرده است که به بیرون بیابانها بگریزند: «آن گاه هر که در یهودیه باشد به کوهستان بگریزد». (متی: ۱۶: ۲۴)

۲-۶- ظهور پیامبران دروغین

عیسی (علیه السلام) به حواریون و پیروان خود مکرر توصیه نموده که قبل از آمدن پسر انسان، افرادی به دروغ ادعا می کنند منجی و پسر انسان هستند و شما را به قصد فریب، به جانب خود دعوت می کنند؛ اما هوشیار و آگاه باشید و شما منتظر منجی واقعی باشید: «زهار کسی شما را گمراه نکند؛ از آن رو که بسا به نام من آمده و خواهند گفت: من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد». (متی: ۴: ۵) از این عبارت فهمیده می شود که عده ای به دنبال مدعیان دروغین مسیح خواهند رفت و در جامعه، گروه های منحرف تشکیل می گردد. در چند بند بعدی می گوید: «و بسا انبیای دروغین ظاهر شده، بسیاری را گمراه می کنند». (متی: ۴: ۱۳)

۳-۱- وقایع اجتماعی پیش از ظهور منجی در دین اسلام

۳-۱- جدایی و تفرقه در اجتماع

پیش از آمدن مصلح و در آخرالزمان، جوامع بشری از جدایی و تفرقه رنج می برند. انسان ها آرزوی یک دل و یک سو بودن را دارند و اکثر جامعه با یکدیگر در تضاد و اختلاف به سر می برند هر کسی و گروهی، از آموزه های دینی، برداشت و تفسیر متفاوتی دارد که باعث اختلاف در مسائل و رفتارهای اجتماعی می شود.

۳-۲- رواج فساد و ظلم در جامعه

آن زمان، گناه، ظلم و کفر در جامعه رواج پیدا می کند و ظلم بر عدل غلبه می یابد. آن هنگام، مسلمانان برای هویت خود ارزشی قائل نیستند. اکثر مردم هم به حالات کافران و مشرکان گرایش می یابند و سعی می کنند در زندگی و حرکات خود شبیه آنان شوند. حتی در تربیت فرزندان خود نیز از الگوی آنها پیروی می کنند. ارزش های اخلاقی و ادب اجتماعی بین افراد از بین می رود و دیگر نه کوچک تر به بزرگتر احترام می گذارد و نه بزرگ تر به کوچک تر رحم می کند. (مقدسی شافعی، ۱۴۱۶: ۲۱۷؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۲/۱۹۱-۳۶۶)

۳-۳- آمدن فتنه های بی در بی

فتنه ها یکی پس از دیگری ظاهر می شود و هر فتنه، از فتنه قبل بزرگ تر و مخرب تر است. طبق نقلی از پیامبر اکرم (ﷺ) در فتنه اول، ریختن خون، در فتنه دوم، علاوه بر خون، مال مردم و در فتنه سوم، خون، مال، جان و نیز ناموس، مباح شمرده می شود و فتنه چهارم هم دجال است. (محامی، ۲۰۰۰: ۲۲۳؛ متقی هندی، ۲۰۰۳: ۱۰۳) در روایتی از حضرت علی (رضی الله عنه) آمده است: چند حادثه مهم، پیش از ظهور منجی و در آخرالزمان رخ می دهد؛ از جمله خون‌هایی که در بصره ریخته می‌شود، تخریب خانه‌های بصره و هلاکت اهل آن، ترس و وحشت عمومی در همه عراق پدید آمده و موجب سلب آسایش و آرامش مردم می شود. (مفید، ۱۴۱۴: ۳۴۰)

۳-۴- شورش و قیام ها

قبل از ظهور منجی، شورش ها و قیام هایی رخ می دهد از جمله:
- **خروج سفیانی؛** طبق روایات، سفیانی شخصی است که در آخرالزمان و قبل از ظهور، در منطقه شام قیام کرده و باعث انحراف عده زیادی از مسلمانان می شود و مناطق مهم شام، فلسطین، عراق و اردن و چند منطقه دیگر را به تصرف خود در می آورد اما در نهایت، در منطقه بیداء با سپاه امام درگیر می شود و با امدادهای الهی، شکست خورده و در زمین فرو می‌رود.

- **خروج یمانی؛** از نشانه‌های قبل از ظهور منجی و نزدیک به آن، خروج یمانی بیان شده است. یمانی شخصی است که از منطقه یمین خروج نموده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند. همزمان با آن، در نقاط دیگر، قیام هایی رخ می دهد ولی مسلم و مشهور، قیام یمانی است؛ گرچه تفصیل کیفیت آن بیان نشده است. (طوسی، ۱۴۰۳: ۲۶۷؛ صدر، ۱۴۱۲: ۵۲۵)

- **قتل نفس زکیه؛** منظور از نفس زکیه، شخصی با ایمان و از اولیای خداست نزدیک آمدن منجی، کنار رکن و مقام، به ناحق کشته می شود. نام دیگری که برای او ذکر شده است، سید حسنی یعنی از نسل امام حسن (رضی الله عنه) است. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ۸۶/۳-۱۰۲)

- **خروج دجال؛** این اتفاق نیز از وقایع مهم و غیرقابل انکار است؛ اگرچه در تفسیر دجال اختلاف نظر وجود دارد. ظهور قیام های بسیار در نقاط مختلف؛ از جمله این قیام ها قیام در یمین، به رهبری سید یمانی که گذشت و نیز بیرون آمدن پرچم های سیاه از خراسان و قیام سید خراسانی و امثال آن.

۴- بررسی نشانه‌های ظهور در قرآن

(إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُزِيلَ آيَةَ) (انعام/۱۷)؛ به درستی که خداوند قادر است که نشانه ای

فرو فرستد». در تفسیر این آیه در روایت امام باقر (علیه السلام) به چند نشانه از نشانه های ظهور حضرت ولی عصر (علیه السلام) اشاره شده است: «في رواية أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً، وَسِيرُكُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آيَاتٍ مِنْهَا دَابَّةُ الْأَرْضِ، وَالذَّجَالُ، وَنُزُولُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ (علیه السلام)، وَطُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «زود است که در آخرالزمان آیات و نشانه هایی از قدرت خداوند می بینی: ۱. دابة الارض؛ ۲. دجال؛ ۳. نزول حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام)؛ ۴. طلوع خورشید از مغرب (مجلسی، ۱۴۱۲ق: ۵۲/۱۸۱)

﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْسِكُمْ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصِرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ﴾ (انعام/ ۶۵)؛ بگو او قادر است که از فرازتان یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد؛ یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ و اختلاف را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشانند، بین چگونه آیات گوناگون را شرح می‌دهیم؛ شاید بفهمند». در ذیل این آیه هم روایتی از امام باقر (علیه السلام) در مورد بعضی از علائم ظهور اشاره شده است: «في رواية أبي الجارود عن أبي جعفر (علیه السلام) في قوله: قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ، قَالَ (علیه السلام): هو الدجال و الصيحة، أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ، وَهُوَ الْخَسْفُ، أَوْ يَلْسِكُمْ شَيْعًا، وَهُوَ اخْتِلَافٌ فِي الدِّينِ وَ طَعْنٌ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَيُذِيقُ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ، وَهُوَ أَنْ يَقْتُلَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ كُلُّ هَذَا فِي أَهْلِ الْقَبْلَةِ. از امام باقر (علیه السلام) در مورد آیه: قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ، منقول است که فرمودند: آن دجال و صیحه است (عذابی آسمانی و از بالا) و مراد از: أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ، (یا از زیر پای شما)، خسف و فرو رفتن در زمین است. و مراد از: «أَوْ يَلْسِكُمْ شَيْعًا» (یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد)، همانا اختلاف در دین و طعن به یکدیگر زدن است و منظور از: وَيُذِيقُ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ (و طعم جنگ را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشانند)، کشتن شدن دسته ای از شما توسط گروه دیگر است و تمام این حوادث در میان اهل قبله و مسلمانان به وقوع می‌پیوندد.

(مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۲/۱۸۲)

﴿لَأَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيِّنَاتٍ أَوْ نَهَارًا مَاذَا اسْتَجَبْتُمْ لَهُ الْجُرْمُونَ﴾ (یونس/ ۵۱)؛ بگو: مرا خبر دهید که اگر شب یا روز عذاب خدا شما را فرا رسد (چه راه مفری دارید و) گناهکاران چه چیزی را از او به تعجیل می‌طلبند؟. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: مراد از

عذاب در این آیه، بلاهایی است که در آخرالزمان بر مردم نازل می‌شود.

﴿وَلَوْ تَرَى إِذْ فُزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ (سبأ/ ۵۰)؛ و اگر تو سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسانند، در آن حال هیچ (از عذاب و

سال ششم
شماره دوم
پیاپی: ۱۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

قهر الهی) فوت نشوند و از مکان نزدیکی دستگیر شوند». از امام باقر (علیه السلام) در مورد این آیه نقل شده است که فرمودند در مقدمه قیام جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) صحیحه ای از آسمان بلند می شود که همه مردم در هر حالی که هستند این صدا را می شنوند و در زمین بیدار، لشکریان سفیانی به زمین فرو خواهند رفت. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَلَوْ تَرَى إِذْ فُزِعُوا فَلَا فَوْتَ، قَالَ: مِنْ الصَّوْتِ وَذَلِكَ الصَّوْتُ مِنَ السَّمَاءِ وَقَوْلِهِ وَأَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ، قَالَ: مِنْ مَحْتِ أَقْدَامِهِمْ خُسْفٍ بِهِ. امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه: «وَلَوْ تَرَى إِذْ فُزِعُوا فَلَا فَوْتَ»، فرمود: «ترس آن‌ها از صدایی بود که منبع آن صدا از آسمان بود. و این که می فرماید: وَأَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ؛ یعنی می ترسند که زمین از زیر پاهایشان دهن باز کند و آن‌ها را فرو برد». (مجلسی، ۱۴۱۲: ۱۸۵/۵۲)

«سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» (معارج/۱)؛ سائلی از عذابی که وقوع آن حتمی است سؤال نمود. از امام باقر (علیه السلام) در رابطه با این آیه مبارکه سؤال کردند که منظور از این عذاب چیست؟ فرمودند: «سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَعْنَى هَذَا، فَقَالَ: نَارٌ تُخْرَجُ مِنَ الْعَرَبِ وَ مَلَكٌ يُسَوِّفُهَا مِنْ خَلْفِهَا حَتَّى تَأْتِيَ دَارَ بَنِي سَعْدِ بْنِ هَمَامٍ عِنْدَ مَسْجِدِهِمْ فَلَا تَدْعُ دَارَ بَنِي أُمَيَّةَ إِلَّا أَحْرَقَتْهَا وَأَهْلَهَا وَلَا تَدْعُ دَارَ أَبِيهَا وَثُرَلَالٍ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهَا، وَذَلِكَ الْهَدْيِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)؛ عذاب در این جا آتشی است که از طرف مغرب شعله ور می شد و پادشاهی آن را رهبری می کند و تمام خانه های بنی امیه و همه غاصبان حقوق اهل بیت را آتش می زند و مخصوصا از بنی امیه آثاری باقی نخواهد گذاشت و اوست مهدی آل محمد (عَلَيْهِ السَّلَامُ)». (مجلسی، ۱۴۱۲: ۱۸۸/۵۲؛ خادمی شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۱)

۵- علامات اجتماعی آخرالزمان در حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله)

خوردن ربا در جامعه، گسترده و عادی می شود در حالی که از گناهان کبیره و حرام است. مردم در آخرالزمان برای انجام کار از یکدیگر رشوه می گیرند. سفها و نادانان را به کار می گمارند که شاید به سبب نبود افراد صالح و کاردان یا به دلیل کناره گیری آنان از اجتماع است. ارتباط با خویشاوندان و رفت و آمد با آنان، در آخرالزمان قطع می شود. ریختن خون و از بین بردن نفوس، بی اهمیت می شود. ظلم در جامعه، فخر و ارزش می شود و حاکمان فاجر و مشاوران ظالم سر کار می آیند. در جامعه، به ناحق، شهادت داده می شود و بدون این که شاهد مطلبی باشند، در آن شهادت می دهند. قلوب مردم، از هم فاصله می گیرد و الفت و مهربانی از بین می رود. به عهد و پیمان خود عمل نمی کنند از این رو به یکدیگر اطمینان ندارند. بزرگ و سردمدار قوم، پست ترین و بی ارزش ترین آن‌ها می شود و شایسته سالاری وجود ندارد. (صدوق، ۱۴۱۶:

۵۲۵/۲؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۱۹۲/۵۲-۱۹۵)

زیرا دل‌ها بر اثر گناه و غفلت، تیره و سیاه شده و دیگر لذتی از عبادت نمی‌برند. در مساجد، به جای عبادت و وعظ و تحصیل تقوا، گناه و غیبت وجود دارد. به تعبیر روایت، دیندار بودن در آخرالزمان مانند نگه داشتن آتش بر کف دست است. قرآن هم زیبا و آراسته چاپ می‌شود؛ ولی عمل به آن، فراموش می‌شود. قاریان، به حسب شماره زیادند؛ ولی قاریانی که حافظ دستورات آن باشند، اندکند. علما و فقها هم آن‌چنان که باید به وظایف دینی خود عمل نمی‌کنند. فتوهای آنها طبق امیال افراد و قدرت‌هاست و به جای این که طبق شرع و دین باشد، در آن مصالح دنیوی لحاظ می‌شود. اعمال عبادی، تحریف و حقایق دگرگون می‌شوند. مردم بعضی عبادات مثل حج را برای تظاهر و فخر فروشی انجام می‌دهند و عالم واقعی کمتر وجود دارد. عده‌ای فاسق، خود را عالمان جامعه معرفی می‌کنند و علم، جای خود را به جهل می‌دهد. در روایتی است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: زمانی فرا می‌رسد که مردم، به اوقات نماز اهمیتی نمی‌دهند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ۴۲/۳-۵۰؛ سید بن طاووس، ۱۴۰۳: ۱۳۱؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۲/۱۹۰؛ حائری یزدی، ۱۴۲۲: ۱۸۲-۱۸۵)

۶-۳-۲- زمینه‌های اخلاقی

در بُعد خانوادگی؛ جامعه رو به انحطاط می‌رود و خانواده به معنای واقعی کمرنگ می‌شود. دیگر کانون گرم خانواده وجود ندارد و افراد خانواده به اصول و ارزش‌های خانواده پایبند نیستند. امنیت و حرمت خانواده از بین می‌رود. فساد و گناه حالت طبیعی و انسانی به خود می‌گیرد و کسی توانایی تغییر این وضعیت را ندارد. فرزندان، احترام‌چندانی برای پدر و مادر قائل نیستند در مقابل، والدین هم در فکر تربیت صحیح فرزندان خود نیستند. اخلاق در جامعه از بین می‌رود و منکر، معروف و معروف منکر می‌شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی می‌فرماید: «قبل از قیامت، به طور آشکارا به زنان تجاوز و بی‌حرمتی می‌شود و هیچ کس نکوهش نمی‌کند و حداکثر می‌گویند: ای کاش در کناری این کار را انجام می‌دادی». (سید بن طاووس، ۱۴۰۳: ۱۰۱) مردان، خود را شبیه زنان و زنان نیز خود را شبیه مردان می‌کنند. زنان پاکدامن در چنین جامعه‌ای بسیار اندک هستند. مردم، ظاهر خوب و آراسته و باطنی گرگ‌صفت دارند. حق افراد ضعیف و ساکت، ضایع می‌شود و حيله گران و ریاکاران از موقعیت خوبی در جامعه برخوردارند. (مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۲/۲۵۶-۲۶۰؛ حائری یزدی، ۱۴۲۲: ۱۸۲) روابط اجتماعی، جنبه خدایی و انسانی ندارد و کمک به دیگری از روی عشق و محبت نیست؛ زیرا دوستی‌ها و اظهار علائق، واقعی نیست و تنها صوری و برای منافع دنیایی خود است و برعکس، دشمنی و کینه‌ها واقعی و درونی است. جنبه‌های فردی؛ بیشتر مردم در این دوران، مسائل اخلاقی را رعایت نمی‌کنند. همیشه منافع مادی را برای خود می‌خواهند و به دیگران ضرر و زیان می‌رسانند و حال همسایگان، فقیران و تهی‌دستان را رعایت نمی‌کنند. به عهد و پیمان خود پایبند نیستند

و برای به دست آوردن دنیا و منافع زود گذر آن، دین و آخرت خود را می فروشند. آنان برای جلب رضایت شخص بزرگ تر و بالاتر هرگونه تملق، چاپلوسی و کرنشی را انجام می دهند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ۴۴/۳-۴۸؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۲ / ۱۱۸ و ۴۱۸) عواطف مردم رو به سردی می رود و روابط خانوادگی و خویشاوندی سست می شود. پیامبر اکرم (ﷺ) می فرماید: قیامت برپا نمی شود، تا زمانی فرا رسد که شخص از شدت فقر، به اقوام و بستگان خود مراجعه می کند و آنان را به خویشاوندی سوگند می دهد تا بلکه به او کمک کنند؛ ولی به او چیزی نمی دهند. همسایه نیز از همسایه خود کمک می خواهد و او را به حق همسایگی سوگند می دهد ولی کمکش نمی کند. (متقی هندی، ۱۴۳۱: ۲۴۰/۱۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵۰/۶) شاید بتوان از این حدیث شریف و مشابه آن، علاوه بر نبود عواطف انسانی، زوال اطمینان و شروع دروغ و نیرنگ را نیز استنباط کرد.

نشانه‌های معنوی آخرالزمان در حدیث پیامبر (ﷺ)

در یک حدیث، نشانه‌های معنوی آخرالزمان این گونه آمده است: نماز از بین مردم رخت بر می بندد و می میرد. امانت، بین مردم ضایع و بی اهمیت می شود. دروغ گفتن حلال شمرده و در جامعه زیاد می شود. به سبب زندگی چند روزه دنیا و برای این که به منافع زودگذر آن برسند، دین خود را به دنیای خود می فروشند. مردم، به جای عقل، از هوای نفس تبعیت می کنند. زنان به مردان و مردان به زنان شبیه می شوند. گناه و فجور در جامعه علنی و آشکار می شود. قرآن زیبا چاپ می شود؛ اما عمل کننده به آن و قاری واقعی کم است. مساجد به زیورآلات، آراسته و مناره های مسجد ها بلند می شود. خوانندگان قرآن، فاسقند؛ یعنی قرآن می خوانند؛ ولی به آن عمل نمی کنند. (صدوق، ۱۴۱۶: ۵۲۵/۲؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۲ / ۱۹۲-۱۹۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ۴۷/۳-۴۸)

بشارت حضرت عیسی (ع) در مورد ظهور منجی

مهم ترین اصل تعلیمات حضرت عیسی (ع)، که مرکز رسالت او قرار گرفته، بشارت ظهور قریب الوقوع دولت آسمانی است. در انجیل های همگون، حکومت خدا هسته تعلیمات عیسی است و رستگاری انسان فقط در این قلمرو تحقق می پذیرد. در انجیل مقدس، حکومت خدا را با ظهور پسر انسان معرفی می کند که لازم است متحمل رنج های فراوان شود و به وسیله رهبران، سران کاهنان و علمای یهود، طرد و کشته شود. او به شاگردان خود می گوید: «هر که از من و سخنان من در این زمانه گناه آلود و فاسد، عار داشته باشد، پسر انسان هم هنگامی که در جدال پدر خود با فرشتگان مقدس می آید، از او عار خواهد داشت. یقین بدانید که بعضی از آنها که در اینجا ایستاده اند، تا حکومت خدا را که با جلال ظاهر خواهد شد نبینند، نخواهند مرد». (مرقس: ۸: ۳۸) حضرت عیسی (ع)

در جای دیگر گفته است: «ساعت مقرر فرا رسیده است، حکومت خدا نزدیک است. متحول شوید و به این بشارت ایمان آورید». (همان، ۱: ۱۵) در این گفتار، سه نکته بسیار اساسی وجود دارد: ۱- انجیل یا همان مژده اصلی حضرت عیسی (علیه السلام) که مسیحیت بر آن بنا شده، ظهور حکومت خداوند و قلمرو آسمانی است. ۲- برای شرکت در این قلمرو، باید متحول شد. ۳- حکومت خدا، نزدیک و قریب الوقوع است.

نتیجه

در تمام ادیان و مذاهب مختلف از جمله اسلام و مسیحیت، از مصلحی که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و به جنایت‌ها و خیانت‌های انسان‌ها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را، بر اساس عدالت و آزادی استوار خواهد نمود، گفت‌وگو به عمل آمده که ما این نشانه‌ها را به صورت تطبیقی در این پژوهش بررسی کردیم و نتیجه پژوهش این است که:

- ۱- نوید آن مصلح جهانی، علاوه بر قرآن مجید، در مسیحیت هم داده شده است؛
- ۲- هر دو دین، اعتقاد دارند که در آخرالزمان، اتفاقات غیر طبیعی و بی سابقه رخ خواهد داد؛
- ۳- هر دو دین معتقدند از جهت اجتماعی دوران قبل از ظهور با اختلافات اقوام، جنگ و درگیری‌ها، وجود ظلم و بی عدالتی حکام، جدایی و تفرقه در اجتماع، آمدن فتنه‌های پی در پی همراه است؛
- ۴- نقطه اشتراک دیگر بین دو دین این است که در دوران قبل از ظهور منجی، بشر از معنویت و فطرت خود دور شده و ارزش‌های انسانی و معنوی رو به فراموشی رفته و ضد ارزش نشان داده می‌شود. برعکس، ضد ارزش‌ها، ارزش شمرده می‌شوند؛
- ۵- هر دو دین، در این مطلب اشتراک دارند که بعد از ظهور منجی در آخرالزمان، دوره ای از زندگی بشر شکل می‌گیرد که ظلم و فساد از بین می‌رود و ظالمان و ستمگران، به جزای عمل خود می‌رسند و صالحان و مومنان وارث زمین می‌شوند؛
- ۶- نقطه اشتراک دیگر بین دو دین، این است که در آخرالزمان حکومت الهی، تحقق می‌یابد و تا ابد بر زمین مستقر می‌شود. همه مردم نیز موحد و یکتا پرست می‌شوند؛
- ۷- همچنین هر دو دین معتقدند این دوره با آمدن منجی موعود آغاز می‌شود؛ اما در مسیحیت درباره انتها و مدت آن به طور دقیق سخنی گفته نشده اما در منابع اسلامی به این موضوع اشاره شده است که این دوره منجر به رجعت شده و تا پایان دنیا ادامه خواهد داشت.

منابع

قرآن کریم

۱. امین، سید محسن (۱۴۰۳ق): «اعیان الشیعه»، بیروت: دارالمعارف للمطبوعات.
۲. حائری یزدی، علی (۱۴۲۲ق): «الزام الناصب فی اثبات الحجة الغایب»، بیروت: موسسه الاعلمی.
۳. خادمی شیرازی، محمد (۱۳۹۰ش): «نشانه های ظهور او»، قم: انتشاران مسجد جمکران.
۴. سید بن طاووس، علی بن موسی بن جعفر بن محمد (۱۴۰۳ق): «الملاحم و الفتن»، بیروت: موسسه وفا.
۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق): «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۶. شافعی سلمی، یوسف بن یحیی علی عبدالعزیز (۱۴۱۶ق): «عقد الدرر فی اخبار المنتظر»، قم: انتشارات مسجد جمکران.
۷. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۴ق): «الارشاد»، بیروت: دارالمفید.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۲ق): «منتخب الاثر»، قم: انتشارات سلمان فارسی.
۹. صدر، سید محمد (۱۴۱۲ق): «تاریخ غیبت الکبری»، بیروت: دارالمعارف.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین قمی (۱۴۱۶ق): «کمال الدین و تمام النعمه»، قم: جامعه مدرسین.
۱۱. طوسی، ابراهیم بن جعفر بن محمد (۱۴۰۳ق): «کتاب الغیبه»، بیروت: موسسه الاعلمی.
۱۲. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۳۷۵ ش): «ینایع الموده»، قم: انتشارات شریف رضی.
۱۳. کتاب مقدس (عهدین) (۱۹۹۵م): انگلستان: ترجمه انجمن کتاب مقدس ایران.
۱۴. کورانی، علی (۱۳۹۱ش): «عصر ظهور»، تهران: نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۵. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۲۰۰۳م): «البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان»، مصر: دارالغد الجدید.
۱۶. _____ (۱۴۳۱ق): «کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۲ق): «بحارالانوار»، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۸. محامی، احمد حسین یعقوب (۲۰۰۰م): «حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی المنتظر»، اردن: دارالملاک.
۱۹. محمدی؛ محمد حسین (۱۳۸۸ش): «آخرالزمان در ادیان ابراهیمی»، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۲۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳ش): «الغیبه»، تهران: انتشارات صدوق.

References

The Holy Quran

1. Amin, Seyyed Mohsen (1983): "Shiite nobles", Beirut: Dar Al-Ma'arif for publications.
2. Haeri Yazdi, Ali (2001): "Elzam Al-naseb fi Ethbat Al-hojat Al-qaeib", Beirut: Scientific Institute.
3. Khademi Shirazi, Mohammad (2011): "Signs of his emergence", Qom: Jamkaran Mosque Publications.
4. Sayyid Ibn Tawus, Ali Ibn Musa Ibn Ja'far Ibn Muhammad (1983): "Al-Malahim wa Al-Fitn", Beirut: Wafa Institute.
5. Siouti, Abdul Rahman Ibn Abi Bakr (1984): "Al-Dor Al-Manthur Fi Al-Tafsir Bal-Mathur", Qom: Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi School.
6. Shafi'i Salmi, Yusuf bin Yahya Ali Abdul Aziz (1996): "Aqd Al-dorar in the news of waiting", Qom: Jamkaran Mosque Publications.
7. Sheikh Mufid, Muhammad ibn Muhammad ibn Nu'man Akbari (1994): "Al-Arshad", Beirut: Dar al-Mufid.
8. Safi Golpayegani, Lotfollah (2001): "Selected Works", Qom: Salman Farsi Publications.
9. Sadr, Sayyid Muhammad (1992): "History of the Great Absence", Beirut: Dar al-Ma'arif.
10. Saduq, Muhammad ibn Ali ibn Hussein Qomi (1996): "Kamal al-Din and all the blessings", Qom: Teachers Association.
11. Tusi, Ibrahim ibn Ja'far ibn Muhammad (1983): "The Book of the Unseen", Beirut: Al-A'jami Institute.
12. Kunduz Hanafi, Suleiman Ibn Ibrahim (1996): "Yanabi Al-Mawda", Qom: Sharif Razi Publications.
13. Bible (Covenants) (1995): England: Translation of the Iranian Bible Association.
14. Korani, Ali (2012): "Age of Emergence", Tehran: International Publication of the Islamic Propaganda Organization.
15. Mottaqi Hindi, Ali Ibn Hussam Al-Din (2003): "Al-Burhan Fi Allamat Mahdi Apocalypse", Egypt: Dar Al-Ghad Al-Jadeed.
16. _____ (2010): "Treasures of deeds in the tradition of words and deeds", Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
17. Majlisi, Mohammad Baqir (1992): "Baharalanvar", Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
18. Mahami, Ahmad Hussein Yaqub (2000 AD): "The Truth of Belief in Imam al-Mahdi Al-Muntazr", Jordan: Dar al-Malak.
19. Mohammadi; Mohammad Hussein (2009): "The Apocalypse in the Abrahamic Religions", Qom: Cultural Foundation of the Promised Mehdi.
20. Nomani, Mohammad Ibn Ibrahim (1984): "The Unseen", Tehran: Sadough Publications.